

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

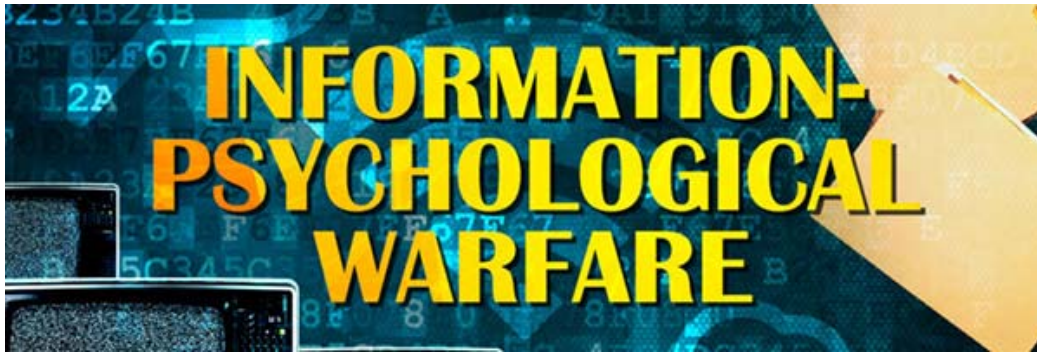
afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: پروفسور دکتر ولادیمیر پراو
ویراستاری و ارسال: علی مشرف
۰۹ فبروری ۲۰۲۴

برخی از ویژگی‌های مدرن جنگ اطلاعاتی - روانی



هنر متقاعد کردن مردم بسیار بالاتر از همه هنرهای دیگر است، زیرا شما را قادر می‌سازد تا همه را به میل خود، و نه از روی اجبار، برده خود کنید. - "گورجیاس لئونینی"

در کشورهای توسعه‌یافته، اطلاعات و زیرساخت‌های اطلاعاتی به عناصر حیاتی تبدیل شده‌اند. هرگونه شکست می‌تواند در مدیریت عمومی، مالی و علمی باعث اختلال در مقیاس بزرگ و حتی باعث درگیری نظامی شود. هرچه جامعه به اطلاعات بیشتری دست یابد، امنیت اطلاعات آن اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. امروزه حفظ و تضمین منافع، و دستیابی به اهداف دولتی، نه از طریق اقدامات مادی و انرژی، بلکه به‌طوری فزاینده از طریق سازماندهی اطلاعات انجام می‌شود. در شرایط مدرن، دستیابی به سطح بالایی از امنیت اطلاعات دولتی، بدون جنگ اطلاعاتی غیرممکن است.

نوع جداگانه‌ای از جنگ اطلاعاتی جنگ اطلاعاتی - روانی است که موضوعات تأثیر آن روان (سیستم عصبی، آگاهی، ناخودآگاه) افراد به‌طور انفرادی و همچنین آگاهی عمومی در سطوح مختلف است. نمونه‌هایی از دومی، یعنی آگاهی، در اینجا عبارتند از (آگاهی نظر، آگاهی خلق‌و‌خوی) گروه‌های اجتماعی، ایدئولوژی دولتی، خودآگاهی ملی و غیره.

محتوای جنگ روانی توسط فیلسوف چین باستان و رهبر نظامی، "سون تزو"، در قرن اول قبل از میلاد به‌وضوح بیان و فرموله شد. او به‌عنوان بخشی از مبارزه با مخالفان خود، برای زیردستان خود وظایف زیر را تعیین کرد:

- در کشور دشمن، همه خوبی‌ها را فاسد و بد جلوه دادن.

• چهره‌های برجسته دشمن را در شرکت‌های جنائی درگیر کردن.

• تضعیف آبرو و حیثیت رهبری دشمن برای شرمساری عمومی در لحظه مناسب.

• ایجاد نزاع و درگیری در میان شهروندان کشور دشمن و تحریک جوانان علیه پیران.

• انجام هر کار ممکن به‌منظور بی‌ارزش کردن سنت‌های کشور دشمن و تضعیف ایمان آنان.

• از بین بردن نظم و انضباط در میان نیروهای دشمن.

حل این وظایف با اجتناب از رویارویی مستقیم نظامی، پیروزی بر دشمن را ممکن می‌سازد.

در شرایط مدرن، ماهیت جنگ روانی اطلاعاتی تحت تأثیر قرار دادن آگاهی عمومی از طریق نفوذ و دستکاری در روان مردم برای اقدام علیه منافع آنها است. در زیر چند روش مؤثر برای تأثیرگذاری بر مردم، گروه‌های اجتماعی و کل دولت آورده شده است.

عفونت ویروسی - ویروسی که به داخل سلول نفوذ می‌کند، خود را در فرآیندهای کنترل DNA جاسازی و سپس سموم را آزاد می‌کند که منجر به مرگ سلولی می‌شود.

نقش ویروس در جامعه توسط یک "گروه ویروسی" کنترل‌شده خارجی در داخل کشور ایفا می‌شود. باید در مدیریت آگاهی عمومی، مانند ویروسی در DNA، از محیط اطرافش قابل تشخیص نباشد، به حوزه ایدئولوژیک نفوذ کند. مکانیسم اصلی اقدامات "گروه ویروسی" ایجاد و افزایش تضادهاست که به آن اجازه می‌دهد "محرمانه و کاملاً بی‌خبر" از بسیاری از افراد هنگام مبارزه با یک رقیب استفاده کند و در واقع کارهایی را انجام دهد که برای آنها بیگانه و ناآشناست. "گروه ویروسی" تقریباً کاملاً پوشیده و نامشخص است. از آنجایی که در حالت خودمختار کار می‌کند، نیازی به ارتباط ندارد، زیرا می‌تواند دستورالعمل‌هایی را از نشریات بی‌ضرر روزنامه‌های غربی دریافت کند.

افتاع - این یک روش تأثیر مستقیم است که مبتنی بر توسل به عقل مردم با استفاده از استدلال‌های عقلی و منطقی است. درک توازن واقعی قدرت، منافع واقعی مردم و در نظر گرفتن وضعیت آگاهی عمومی مهم است.

دروغ بزرگ - اساس این روش یک دروغ بزرگ است که از طریق تکرار مفاهیم معمولی وارد آگاهی افراد می‌شود. پذیرش توده‌ها نسبتاً محدود و درک آنها ناچیز، اما فراموشی آنها بسیار زیاد است. در صورت شکست‌های سیاسی، بلافاصله همه به‌دنبال دشمن می‌گردند. اگر دشمنی وجود ندارد، باید یکی را اختراع کرد. اینجاست که یک دروغ بزرگ به خرید زمان کمک می‌کند و بعداً هیچ کس آن را به‌خاطر نخواهد آورد.

ادراک محدود - یک فرد برای پردازش تمام اطلاعات دریافتی وقت ندارد و حافظه کاری او محدود است. بنابراین، او اطلاعات بیش از حد را به‌عنوان سر و صدا درک می‌کند. بر این اساس، فرمول‌بندی ساده، تکرار، و تجمیع برخی از قیود و تمهیدات نقش مهمی ایفا می‌کند. مفاهیم دوره‌ای و متوالی (هرچند خالی) که توجه مردم را به خود جلب می‌کند (به‌عنوان مثال، حاکمیت، کوپن، خصوصی‌سازی و غیره) کاملاً مؤثر هستند.

بیهودگی ایده‌های قدیمی فراموش، و همه‌چیز دوباره شروع می‌شود. توالی سریع ایده‌ها و اطلاعات هیچ زمانی برای تأمل و ارزیابی باقی نگذاشت.

حس گله‌نی - این روش سلیقه‌ای و رجحان‌های کوتاه‌مدت، هماهنگی اعمال و اطاعت بدون فکر از رهبران را تحریک می‌کند. ترویج موفقیت‌آمیز انحصار نژادی و مذهبی، مفاهیم مزیت‌های یک "شیوه زندگی" خاص، و ارتقای "روشنفکران" بالاتر از توده خاکستری "غیرمتمدن" (یعنی: غیر سرمایه‌داری، غیر مصرف‌گرا) انسان شورائی و غیره را ممکن می‌سازد.

حقیقت ناقص - این روش شامل ارائه بسیار گزینشی و انتخابی محتوای واقعی است که منجر به یک دیدگاه کاملاً تحریف‌شده می‌شود. هرگونه تأثیر بر پیش‌داوری‌های موجود مستلزم شرح کامل یک رویداد است، اما همیشه می‌توان حقایق خاص را جدا کرد و آن‌ها را برای ایجاد تصویری نادرست، مطابق با هدف تبلیغات، بازنویسی کرد. بنابراین، برای مثال، در یک گزارش تلویزیونی، یک سردبیر ماهر می‌تواند تصویری از یک رویداد ایجاد کند که کاملاً مخالف واقعیت است. برداشت مورد نظر بر میلیون‌ها مخاطب تأثیر می‌گذارد.

تغییر در شرایط عملکرد مغز (روش غیرمستقیم) - این تکنیک شامل تأثیرگذاری بر شرایطی است که تحت آن عملکرد مغز و در نتیجه بر نتایج فعالیت مغز تأثیر می‌گذارد. به‌عنوان مثال، مغز از نظر کیمیایی توسط انتقال دهنده‌های عصبی و نوروپپتیدها تنظیم می‌شود که می‌تواند توسط مواد مخدر و الکل مختل شود. آگاهی افراد نیز می‌تواند تحت تأثیر میدان‌های الکترومغناطیسی و صوتی (به‌ویژه در محدوده فرکانس پائین) قرار گیرد.

اجازه دهید ماهیت برخی از فنون جنگ اطلاعاتی - روانی و اثربخشی آنها را با استفاده از مثال زیر در نظر بگیریم: یک لاکپشت معمولی وجود داشت که همیشه یک لاک سنگین بر پشت خود حمل می‌کرد. لاک او را به زمین فشار می‌داد و برداشتن هر قدم برای لاکپشت سخت بود. بنابراین، با در نظر گرفتن چنین شرایطی و تکرار هر روزه آن، زندگی او آسان نبود. اما وقتی روباهی گرسنه از جنگل همسایه بیرون آمد، لاکپشت سرش را زیر پوسته اش پنهان کرد و با آرامش و در سکوت منتظر خطر ماند. روباه به اطراف پرید، لاک را با دندان امتحان کرد، سعی کرد قربانی خود را برگرداند. به‌طور خلاصه، او از تمام تکنیک‌های ذاتی تهاجمی استفاده کرد، اما لاکپشت به لطف لاک خود زنده ماند.

یک روز، روباه یک کیف دستی بزرگ و یک حقوقدان را با خود آورد، کنار لاکپشت نشست و از او خواست لاکش را بخرد. لاک پشت برای مدت طولانی فکر کرد، اما چیزی او را متوقف ساخت و پیشنهاد روباه را رد کرد. و دوباره روباه حيله‌گر دست خالی دور شد. با گذشت زمان، دنیای اطراف آنها تغییر کرد. وسایل ارتباطی جدید در جنگل پدیدار شد. یک روز هنگامی که لاکپشت در حال خروج از خانه بود، صفحه تلویزیونی را دید که روی درخت آویزان شده بود و لاکپشت‌های پرنده‌ای را نشان می‌داد که لاک نداشتند. دارکوب هیجان‌زده در مورد پرواز آنها اظهار نظر می‌کرد: "چقدر راحت! چه سرعتی! چقدر زیبا! چه لطفی!" لاکپشت هر روز یک، دو یا سه تا از این برنامه‌ها را تماشا می‌کرد. و سپس در سر کوچکش این فکر به وجود آمد که اگر بازم چنین وزن سنگینی - یعنی لاک - را تحمل کند، احمق است. بهتر نیست آن را دور بیندازم؟ آن وقت زندگی خیلی راحت‌تر می‌شود. ترسناک؟ بله، کمی ترسناک است، اما در آخرین اخبار، مجری تلویزیون، جغد، گفت که روباه به کریشناها پیوسته و گیاهخوار شده است.

دنیا در حال تغییر است. جنگل نیز کاملاً متفاوت می‌شود، درختان و حیوانات اصیل کمتر و سگ‌های ولگرد و شغال‌های شبیه به هم بیشتر و بیشتر می‌شوند. چرا پرواز نکنم؟ آسمان خیلی بزرگ و زیباست! لاکپشت فکر کرد: "اگر لاکم را رها کنم، فوراً احساس بهتری خواهم داشت!" روباه فکر کرد، و در حالی که صورت حساب تبلیغاتی را

برای لاکپشت بعدی امضا می‌کرد، با خودش گفت "اگر لاکش را رها کند، راحت می‌شود او را خورد!"

و در یک صبح خوب، زمانی که آسمان بزرگتر از همیشه به‌منظر می‌رسید، لاکپشت اولین و آخرین گام خود را برای رهایی از سیستم دفاعی خود برداشت. لاکپشت نمی‌دانست و دیگر هرگز نخواهد فهمید که جنگ روانی اطلاعاتی به‌طور خاص به دشمن می‌آموزد که چگونه پوسته حفاظتی را جدا سازد.

در حال حاضر، ایالات متحده برای ترویج ابتکارات سیاست خارجی خود در هر منطقه از جهان به‌طور فعال جنگ روانی اطلاعاتی انجام می‌دهد. نمونه‌ای از این فعالیت‌ها به شرح زیر است:

• سخنرانی‌های رسمی نمایندگان ساختارهای دولتی در رسانه‌های گروهی و سازمان‌های بین‌المللی در محکومیت "نقض حقوق بشر" در خارج از کشور؛

• حمایت عمومی از مخالفان "کشورهای سرکوبگر"، از جمله ملاقات با نمایندگان بلندپایهٔ اپوزیسیون در کاخ سفید، وزارت امور خارجه، و سفارتخانه‌های امریکا؛

• حمایت از "انتخابات آزاد و عادلانه"، ایجاد "جامعهٔ مدنی" و آزادی رسانه‌ی و مذهبی؛

• بی‌اعتبار کردن نمایندگان و اولیای امور "رژیم‌های سرکوبگر" با طرح ادعاهای عمومی علیه آنها و اعلام تحریم‌های شخصی؛

• درخواست رسانه‌ها از اعضای جامعهٔ بین‌المللی "رژیم‌های سرکوبگر"؛

• اعلام ائتلاف با دیگر "ملت‌های دموکراتیک" برای "ترویج آزادی، دموکراسی و حقوق بشر" در کشورها و مناطق خاص؛

• ایجاد و تقویت سازمان‌های غیردولتی و دیگر سازمان‌هایی که بر سازمان‌های بین‌المللی موجود تأثیر می‌گذارند تا از پتانسیل‌های آنها برای "برقراری دموکراسی در مناطقی که دموکراسی وجود ندارد" استفاده کنند.

• ترویج فعال ارزش‌های امریکائی از طریق برنامه‌های آموزشی برای دانشجویان و دانش‌پژوهان بین‌المللی، حمایت از بخش خصوصی، افزایش کانال‌های مذاکره و روایت‌های متقابل "برای ریشه‌اندازدن در قلب و ذهن مردم در سراسر جهان".

ماهیت پیچیده و چند وجهی جنگ اطلاعاتی نشان می‌دهد که این امر تا چه اندازه برای دولت ایالات متحده مهم است. اسناد راهنما و رهبری ناتو که در سال ۱۹۹۹ تصویب شد، عملیات اطلاعاتی را به‌عنوان اقداماتی برای تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری در حمایت از اهداف سیاسی و نظامی خود، از طریق تأثیرگذاری بر اطلاعات، فرآیندهای اطلاعاتی و سیستم‌های کنترل دشمن، و در عین حال محافظت از اطلاعات و سیستم‌های اطلاعاتی خود، تعریف می‌کند.

به‌گفتهٔ متخصصان امریکائی، اهداف عملیات روانی اطلاعاتی، وارد کردن نگرش‌های ایدئولوژیک و اجتماعی بیگانه به محیط دشمن، شکل‌دادن کلیشه‌های نادرست رفتار و دگرگونی روحیات، احساسات، و ارادهٔ یک جامعه است. استفاده از تحمیل ساختار خاصی از تصویر (مدل) جهان که برای اطمینان از رفتارهای مطلوب گروه‌های اجتماعی و تصمیم‌گیرندگان طراحی شده است، زندگی اجتماعی را بی‌ثبات می‌کند، باعث بی‌اعتمادی به فعالیت‌های متولیان امور و ادارات دولتی می‌شود، منجر به فضای نارضایتی و ایجاد اضطراب می‌شود، به ظهور گروه‌های مخالف و تحریک فعالیت‌های ضدحکومتی دامن می‌زند، و زمینه را برای تغییرات موفقیت‌آمیز سیاسی، اقتصادی و اقدامات نظامی فراهم می‌کند. عملیات اطلاعاتی و روانی ایالات متحده هم در حوزهٔ مبارزهٔ بین‌دولتی، از جمله درگیری‌های مسلحانه و هم در حوزهٔ مبارزهٔ سیاسی و رقابت اقتصادی بین دولت‌ها انجام می‌شود.

به‌گفتهٔ کارشناسان، پیچیده‌ترین عملیات اطلاعاتی - روانی، عملیات تغییر قدرت سیاسی در کشور بدون کشف منابع نفوذ خارجی است. راه اصلی دستیابی به هدف، روش "بی‌ثباتی مدیریت‌شده" است که عملاً در خدمت تمامی سرویس‌های اطلاعاتی کشورها توسعه‌یافته قرار دارد. پیش‌نیاز چنین عملیاتی ناآرامی‌های اقتصادی یا سیاسی موجود در کشور است.

سناریوی عملیات در چنین کشوری به‌شرح زیر است:

با بودجهٔ خارجی بنیادهای بین‌المللی و سازمان‌های عمومی مختلفی تأسیس می‌شوند. با کمک آنها، اپوزیسیون سیاسی جذب می‌شود (یا ایجاد می‌شود، که نیاز به زمان و هزینهٔ بیشتری دارد). نوع ایده‌آل زمانی است که یک اپوزیسیون

قدرتمند در برابر قدرت موجود وجود داشته باشد که دارای وزن سیاسی و منابع خاص خود باشد، توانایی تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری سیاسی را دارا باشد و در صورت تغییر در رهبری سیاسی، اهداف خود را دنبال کند. در عین حال، حمایت مالی و سیاسی آن در عرصه بین‌المللی تضمین شده است. در این حالت، رسانه‌های تحت کنترل مخالفان به ابزاری برای عملیاتی تبدیل می‌شوند که توسط رسانه‌های جمعی بین‌المللی مورد پشتیبانی قرار می‌گیرند. موقعیت اطلاعاتی عملیات، ایجاد یا استفاده می‌شود تا به آن اجازه دهد وارد فاز فعال شود. جنبه مثبت اصلی این سناریو آن است که اثبات ارتباط اپوزیسیون و جمعیت حامی آن با منابع خارجی، و در نتیجه این واقعیت را که عملیات ویژه توسط سرویس‌های ویژه دولت دیگری انجام شده است، غیرممکن می‌سازد.

لازم به ذکر است که، به‌عنوان مثال، مبارزه با تروریسم بین‌المللی، اولاً چیزی جز یک عملیات اطلاعاتی و روانی نیست که به امریکا اجازه می‌دهد تا بر سیاست‌های بسیاری از کشورها تا حد ادغام آن‌ها در مسیر سیاست خارجی خود، و همچنین تشکیل ائتلاف‌های نظامی - سیاسی جدید که قادر به تأثیرگذاری بر فعالیت‌های سیاست خارجی بسیاری از کشورهاست، تحت تأثیر قرار دهد.

برای کشورهای ناتو، تصویر تروریسم بین‌المللی بهانه بسیار خوبی برای توجیه مشارکت آنها در درگیری‌های نظامی آغاز شده توسط ایالات متحده برای شهروندان کشورهای خود است، زیرا آنها نه علیه مردم و کشورهای خاص، بلکه علیه یک شر جهانی، که نه وابستگی ملی دارد و نه ارضی، می‌جنگند.

ایالات متحده برای ایجاد تصویری از مشارکت جمعی کل جامعه بین‌المللی در حل و فصل یا تشدید درگیری‌ها، به همکاری متحدان خود وابسته است. ایالات متحده با دستکاری اصل مسؤلیت جمعی و گرفتن مخاطره‌آمیزترین تصمیمات سیاسی همراه با متحدان خود، اقدامات تهاجمی خود را با فرامین باورپذیر مختلف از سوی "جامعه بین‌المللی" که توسط متحدانش نمایندگی می‌شود، پوشش می‌دهد.

لازم به ذکر است که اطلاعات و عملیات روانی ابزار اصلی "انقلاب‌های رنگی" است. در جریان پردازش روانی جمعیت در طول "انقلاب رنگی"، از روش‌های به‌دست آوردن کنترل بر آگاهی استفاده می‌شود، که شرح آن در نشریات محقق مشهور فرقه‌های تمامیت‌خواه، "استیون حسن"، ارائه شده است. او در اثر خود، "مبارزه با کنترل ذهن فرقه ای"، سه مرحله از به‌دست آوردن کنترل بر آگاهی را متمایز می‌کند:

• **یخ‌زدانی** در این مرحله، یک فرد یا گروهی از افراد مجبور می‌شوند که از درک انتقادی از واقعیت و تفکر مستقل دست بکشند. در عین حال، کلیشه‌ها و الگوهای رفتاری مطلوب دستکاری‌کنندگان آنها بر آنان تحمیل می‌شود. در این صورت، هر دیدگاه جایگزین، عمداً نادرست یا "از جانب شیطان" تلقی می‌شود.

• **دیگرگونی** در این مرحله، یک پردازش فعال عاطفی - روانی فرد یخ‌زدانی شده صورت می‌گیرد تا او را به‌حالت رضایت‌بخشی برساند و این حالت جدید به‌عنوان نشانه‌ای از ارتباط با "اهداف بالاتر" یا "انگیزه مشترک" تعبیر می‌شود.

• **انجماد** (حفظ کلیشه‌های جدید). در این مرحله، هویت قدیمی کنار گذاشته می‌شود و هویتی جدید جایگزین آن می‌شود. شخص به‌عنوان عضوی از "خانواده جدید نجات‌یافته" احساس "تولد تازه یافته روحی" می‌کند. به‌نام "اهداف عالی"، او قادر به ایثار می‌شود: بخشش دارائی خود، جذب اعضای جدید، جمع‌آوری کمک‌های مالی، و غیره. او لباس، مدل مو، زبان خود را تغییر می‌دهد، گاهی اوقات نام جدیدی پیدا می‌کند و در نهایت به جمع "خانواده" جدید می‌پیوندد.

بنابراین، انجام این نوع عملیات روانی اطلاعاتی به معنای انتخاب داده‌های ورودی برای یک فرد، جامعه و دولت است، به گونه‌ای که الگوریتم‌های خاصی را در آنها فعال می‌سازد تا در غیاب آن‌ها، الگوریتم‌هایی را تحمیل کند که ادراک، رفتار، و پردازش اطلاعات را تعیین می‌کند.

پیروزی در جنگ اطلاعاتی (بر دولت به عنوان یک سیستم اطلاعاتی) یعنی: مرگ عناصر فردی ساختارهای دولتی (سیاسی، اقتصادی و نظامی)؛ ظهور عناصر ساختاری جدید در دولت که امنیت متجاوز را تأمین می‌کند؛ حل وظایف غیرمرتبط قبلی توسط دولت به نفع برنده، و ناتوانی ساختارهای دولتی در پردازش کافی داده‌های ورودی ارائه شده توسط برنده. دولت شکست خورده در سیستم‌هایی ادغام می‌شود که به نفع متجاوز است و آگاهانه یا ناخودآگاه برای تضمین منافع متجاوز کار می‌کند.

منبع: جبهه جنوب، ۲۲ جنوری ۲۰۲۴

<https://southfront.press/some-modern-peculiarities-of-information-psychological-warfare/>